

آثار باستانی و نامه‌های انبیاء (علیهم السلام)

تمدن ایرانی در طول تاریخ اشکال و جلوه‌های مختلفی بخود گرفته است ، از دوران آریاهای اولیه و مدی‌ها ، هخامنشی‌ها ، پارتها ، تاساسانیان و مسلمانان ، این تمدن کهن سال تغییراتی پیدا کرده است ، لکن در طی بیست و پنج قرن متمادی يك بهم پیوستگی شگفت‌آوری داشته است ، و بندرت کشوری را میتوان یافت که از نظر حفظ سنن و خصوصیات و اصرار در نگهداری آثار تمدن در طی قرون متمادی بمانند ایران نظر تاریخ‌دانان را بخود جاب کند .

بناظر اسلام در ایران پس از برطرف شدن نخستین آشفته‌گیها ، باز پیوستگی تاریخی تمدن ادامه یافت و ایرانیان در بحبوحه فرمانروائی اسلام ، آثار باستانی کشور خود را که نموداری از تمدن باشکوه و عظمت آن بود در رنگ اسلامی که بآنها دادند از خطر نابودی بدست غیر ایرانی حفظ کردند ، چنانکه مستشرق معروف پرفسور ادوارد برون گوید : متقدمین از مورخین که بزبان عربی تاریخ نوشته‌اند بیشتر کوشش داشته‌اند اساطیر سامی و کتاب مقدس را با افسانه‌های ایرانی مخلوط سازند ، جمشید را عموماً با حضرت سلیمان یکی میدانند ، تقریباً همه آثار هخامنشیان را که در حوالی پرسپولیس است ایرانیان مربوط باین پادشاه میدانند و ظاهراً بهتر ازین دلیلی ندارند که این ساختمانهای عظیم خارج از قوه بشر آن زمان است و در آن عهد فاقد وسائل امروزی بوده‌اند ، لکن همه بخوبی باین مطلب آگاهی دارند که تنها دو پادشاه بردیوان فرمانروائی داشته‌اند ، یکی سلیمان ، دیگر جمشید . بنابراین سلیمان و جمشید این بناها را برپا ساخته‌اند .

لذا پرسپولیس را تخت جمشید و مقبره کورش را مسجد مادر سلیمان و يك بنای صفا مانند دیگری را که روی کوهی نزدیک آثار دشت مرغاب است تخت سلیمان میخوانند. اینگونه تطبیقات را زردشتیان پس از غلبه اسلام می‌پسندیدند، زیرا در برابر فاتحین وضع آنها را تاحدی اصلاح میکرد و مزایائی که اسلام غالب برای اهل کتاب قائل بود برای آنها نیز حاصل می‌شد.^۱

پورداد از این همه پا فراتر نهاده و سلیمان را همان جمشید میدانند و گوید در کتاب تلمود سلیمان بجای جمشید اوستا گردیده و نگین سلیمان احتمال دارد اصلاً همان نگین جمشید باشد.^۲ حمزه اصفهانی و طبری و ابوریحان بیرونی و میرخواند بهنگام ذکر پادشاهی جمشید همان کارهای مهمی که خارج از طاقت بشری است و بحضرت سلیمان نسبت میدهند به جمشید نیز نسبت داده‌اند. فردوسی نیز در شاهنامه در داستان جمشید گوید که او نه تنها بر مردم بلکه بر دیوان و پرنده‌گان و پریان نیز سلطنت داشته و تختی هوائی ساخته:

که چون خواستی دیو برداشتی زهامون بگردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا نشسته بر او شاه فرمانروا^۳

در جای دیگر گوید:

زمانه بر آسود از داوری بفرمان او دیو و مرغ و پری^۴

ازین روایات پیداست که تشابه میان سلیمان و جمشید بسیار است، شاید همین تشابه موجب گردیده که ایرانیان بمنظور حفظ آثار باستانی خود و بخاطر روح ملیتی که داشته‌اند، مفاخر خویش را بنام انبیاء بنی اسرائیل موسوم دارند تا به پاس قدس اسامی آنان این انبیه از خطر ویرانی محفوظ بماند. برای نمونه بذکر جمله‌ای از آثار باستانی این سرزمین که بنام انبیاء معروف گردیده اشاره میشود:

۱- تاریخ ادبی ایران ج ۱ ص ۱۷۱

۲- یشت‌ها ج ۱ ص ۱۸۸

۳- شاهنامه فردوسی چاپ شوروی ج ۱ ص ۴۱ و ۴۲

۴- همان مدرک ص ۳۹

۱- **دکان داود**: قبل از توضیح این محل بمعنی لغوی آن می‌پردازیم، دکان dokân اسمی است پارسی بمعنی جائی باشد که در آنجا بساط گسترده بمعرض بیع و شرا درمی‌آورند و حجره تجارت و دادوستد و حانوت را نیز گویند^۵ و باتشدید dokkân معرب همان دکان فارسی است و جمع آن دکاکین آمده که در عربی این واژه بمعنی ایوانچه‌هایی که در دالان خانه برای نشستن نوکران پدید می‌آورند بکار رفته است.^۶

در حال این کلمه دکان، اضافه بنام دونفر از انبیاء گردیده و بر روی محلی بدین نام مشهور و معروف شده که یکی همین دکان داود است، و در محلی واقع شده که امروز بان - سرپل زهان یا ذهاب گویند و بر شاهراه میان کرمانشاه و بغداد قرار گرفته، و ویرانه‌های عهد ساسانی اکنون در آنجا مشهود است. آثار باستانی عمده‌ی این ناحیه عبارتند از سه لوحه برتندانه‌های هزار جریب، یکی لوحه‌ی بزرگ حجاری شده‌ی مربوط به ۲۶۷ تا ۲۵۵ ق م. دوم لوحه‌ی دیگری در جانب چپ کوه و مربوط به همان تاریخ. سوم لوحه‌ی بزرگ دیگر بر همان کوه بنام اردوان شهریار اشکانی. دهمه‌ی سنگی از دوران ماد، بنام دکان داود Dokkâne Dāvūd، در حدود سه کیلومتری جنوب کوه هزار جریب، که زیارتگاه اهل حق است.^۸

۲- **دکان ساییهان بن داود**: درغاری که در اصبه‌دان معروف است و واقع در کوه طاق مازندران است.^۹ باین محل کرامتی نیز نسبت داده‌اند و گویند چون بچیز پلید و ناپاکی و یا به شیر آلوده شد آسمان ابر میشود و آنقدر باران

۵- فرهنگ نفیسی ج ۲ ص ۱۵۲۳

۶- صحاح جوهری ج ۵ ص ۲۱۱۴

۷- مجله باستان‌شناسی و هنر ایران شماره دوم بهار ۱۳۴۸ ص ۲۲ مقاله آقای سید محمدعلی

امام شوشتری.

۸- مصاحب ج ۱ ص ۱۲۸۲

۹- آثار الباقیه بیرونی ص ۲۴۶

می‌بارد تا آنرا پاک کند.^{۱۰}

۳- **تخت سلیمان**: در جنوب آذربایجان بمسافت ۴۹ کیلومتری شمال شرقی تکاب، از آثار تاریخی بسیار مهم ایران و مشتمل بر بقایای ابنیه‌ی مهمی از دوران ماد تا عهد مغول، و محل آتشکده‌ی مخصوص شاهنشاهی ولشکریان عهد ساسانی بود.^{۱۱} شاهان ساسانی هنگام نیل به پادشاهی از پایتخت خود، تیسفون، پیاده بدانجا میرفتند، و در مواقع حساس و خطیر نذر و هدیه‌ی فراوان بانجا نیاز میکردند.^{۱۲}

۴- **تخت سلیمان**: محل دیگریست در جنوب شرقی شهرستان شهمسوار مازندران، قله کوهیست بارتفاع ۴۶۵۰ متر از قله البرز، اول بار در سال ۱۳۱۵ شمسی کوهنوردان آلمانی از آن صعود کردند. سابقا بر فراز قله اطاقکی چوبی وجود داشته‌است.^{۱۳} در باب تسمیه‌ی این قله در مرآت البلدان آمده‌است که: در قله‌ی کوه بطور شیروانی از چوب عمارتی‌است که جای دونفر میشود. مشهور است که حضرت سلیمان بالای این کوه آمده‌است، در زیر شیروانی مسطور از سنگ شکلی‌است شبیه به مار. سکنه گویند این مار را حضرت سلیمان سنگ کرده‌است.^{۱۳}

۵- **چاه سلیمان**: در بم کرمان. در بم نامه که تألیف سیدطاهرالدین بن شمس‌الدین بمی‌است چنین مذکور است که چاه قلعه بم بامر حضرت سلیمان بن داود نبی حفر شد. و احمدعلی‌خان کرمانی گوید: در تاریخ بناکتی و جلال و تکملة الاخبار نوشته‌اند زمانی که کیخسرو بلاد ایران را برامراء قسمت کرد و پادشاهی را به اهراسب گذاشت و گذشت، حکومت کرمان و مکران را اضافه نيمروز نمود بهرستم پسر زال بداد و تازمان حیات در تصرف او بود. دور نیست که در همان

۱۰- آثار الباقیه بیرونی.

۱۱- پشت‌ها ج ۲ ص ۲۵۰.

۱۲- تاریخ ادبی ایران ادوارد برون ج ۱ ص ۱۷۱.

۱۳- مرآت البلدان

ازمنه نجار و حفار بامر رستم از بلاد عرب آورده و چاه قلعهٔ بم را حفر کرده باشند و چون بردین حضرت سلیمان بودند بنام آن حضرت شهرت کرده است و صاحب بم نامه بی وجه ننوشته باشد^{۱۴}.

۶- **زندان سلیمان** : در جنوب آذربایجان نزدیک تخت سلیمان که ذکر آن گذشت ، محل شگفت انگیزی است و مشتمل بر بقایای معبدی از دوران ماقبل تاریخ و عهد ماد در اطراف قله‌ی آتشفشان خاموشی به بلندی ۱۰۵ متر و قطر دایره‌ی ۱۵۰ متر^{۱۵}.

۷- **مسجد مادر سلیمان** = مشهدِ مادرِ سلیمان = مقبرهٔ مادر سلیمان : در شمال شرقی شیراز ، در آنجا بقعه‌ایست از سنگ که گویند قبر مادر حضرت سلیمان است^{۱۶}.

در هر حال پیداست که حضرت سلیمان که در بیت المقدس بوده نتوانسته گاه در طبرستان و زمانی در شهنسوار و آذربایجان باشد و بر قلهٔ کوهی ماری را سنگ کند و در قلعهٔ بم کرمان چاهی حفر کند و پدرش در سرپل زهاب آید و مادرش در شیراز مدفون گردد ! ، بویژه که امروزه کاوشهای باستانشناسی بخوبی معلوم داشته که این آثار ، سنگ‌نبشته‌هایی تاریخی هستند و شواهد و قرائنی بدست آمده که از ابنیهٔ باستانی این سرزمین می‌باشند و مراجعه بنوشته‌های مربوطه بخوبی این مدعا را تأیید می‌کند ، و معلوم داشته که قبر مادر سلیمان آرامگاه کورش کبیر است که در بالای آن باخط میخی نوشته شده : منم پادشاه کورش هخامنشی . و تخت سلیمان نیز اقامتگاه تابستانی شهریاران ایران زمین بوده است و ...^{۱۷}

ایرانیان بخاطر علاقه‌ای که به میهن خود داشته و دارند و بمنظور حفظ آثار

۱۴- تاریخ کرمان تألیف احمدعلی خان وزیر کرمانی تصحیح باستانی پاریزی ص ۵

۱۵- مصاحب ۶۱۷

۱۶- آثار العجم ۲۲۸

۱۷- پشت‌ها ج ۲ ص ۲۵۰ و ج ۱ ص ۴۴ و تاریخ کرمان پاورقی از باستانی پاریزی ص ۵ و ۰۰۰

باستانی خود، مفاخر خویش را بنام انبیاء و پیامبران موسوم می‌داشته‌اند تا با تقدیس بنام ایشان این ابنیه، از هر خطری مصون بمانند.

بعید نیست که این امر در میان اعراب نیز خالی از سابقه نباشد و آنها نیز آثار باستانی قبل از اسلام خود را بنام انبیاء موسوم داشته باشند از جمله:

۱- **حمام سلیمان** که در یمن بین اشبیل و ذمار واقع است و آن چاه پرآبی است که آب آن برای امراض پوستی بس مفید می‌باشد و یا قوت حکایاتی در این زمینه نقل کرده^{۱۸}.

۲- **دیسر سلیمان**: که در ثغر نزدیک دلوک قرار گرفته و از بهترین و زیباترین شهرهاست^{۱۹}.

۳- **سد یاجوج و ماجوج** که گویند همان دیوار چین باشد و بنقل یا قوت آنرا دو پسران یافث بن نوح پیغمبر (ع) ساخته‌اند^{۲۰}.

۴- **قل یونس**: در شهر موصل قرار گرفته و دارای بنای بزرگی است با یک رباط مشتمل بر اتاقها و مقصوره‌ها و مطهره‌ها و دارالسقایه‌ها که مدخل همه آنها یکی است^{۲۱}.

۵- **باب ابراهیم**: یکی از درهای حرم است در مکه معظمه و یک طاق دارد و مردم آنرا بابراهم خلیل علیه السلام نسبت می‌دهند. ابن بطوطه گوید این انتساب صحیح نباشد بلکه این در منتسب به ابراهیم الخوزی می‌باشد که یکی از ایرانیان بوده است^{۲۲}.

پیدا است که این اماکن را نیز نمیتوان بطور قطع منتسب بانبیاء (ع) دانست،

۱۸- معجم البلدان ج ۲ ص ۴۳۹

۱۹- همان مدرک ص ۶۶۹

۲۰- همان مدرک ۴۳۹ و برای تحقیق بیشتر بمقاله مرحوم مولانا ابوالکلام آزاد درباره ذوالقرنین

مراجعه شود. لغتنامه دهخدا. ذوالقرنین

۲۱- سفرنامه ابن بطوطه ج ۱ ص ۲۵۷

۲۲- سفرنامه ابن بطوطه ج ۱ ص ۱۴۴

زیرا در انتساب آن چاه به حضرت سلیمان و بنای با عظمت دیوار چین بفرزندان نوح پیغمبر (ع) و باب ابراهیم در مکه بحضرت ابراهیم خلیل (ع) تردید آشکار است .

